

آموزش اثر بخش معلم از نظر گوردون

در حالت نخست، معلم رفتار دانش آموز را می پذیرد و مانعی در برآورده کردن نیازهای دانش آموز توسط معلم به وجود نمی آید. در اینجا هدف معلم عبارت است از کمک به دانش آموز. در حالت دوم رفتار دانش آموز برای معلم قابل قبول نیست؛ زیرا عملاً در برآورده سازی نیازهای دانش آموز مانع به وجود می آورد. در این حال معلم تنها می تواند به خودش کمک کند. در هر مورد باید مهارت خاصی داشت. آموزش اثر بخش معلم دارای الگویی است که به کمک آن می توان مشخص کرد که در هر مورد از چه شیوه ای استفاده شود. کتاب گوردون با عنوان آموزش اثر بخش معلم راهنمای خوبی است

زمینه آموزش اثر بخش معلم

خواننده نباید از مفهوم «آموزش اثر بخش» معنایی کلی بر داشت کند. و یا هر معنایی را برای آن در نظر بگیرد، بلکه این اصطلاح اشاره به خصوصیت ویژه الگویی ارتباطی دارد که توسط «توماس گوردون» طرح ریزی شد. الگوی او نمونه ای از ایدئولوژی انسان گرایانه است که به صورت مهارتهای عملی بیان شده است.

این الگو ابتدا در کتاب گوردون تحت عنوان «آموزش اثر بخش والدین» (۱۹۷۰) مطرح شد. سپس نام آن به «آموزش اثر بخش معلم» تغییر یافت (۱۹۴۷) و اخیراً نیز «آموزش اثر بخش رهبر» نام گرفته است (۱۹۷۷). کاربرد عمومی این الگوناشی از شباهتهایی است که در روابط بین انسانها دیده می شود و نیز مهارتهایی که لازمه این ارتباط است. این الگوی آموزشی توصیف

کننده فرایند ارتباط میان دو دسته از مردم است، خواه این رابطه به صورت مادر - کودک، معلم- دانش آموز باشد و خواه مدیر- کارمند

الگوی آموزش اثربخش

این الگو را به بهترین وجه می توان از نگاه یا دید کسی که به رفتارهای همه مردم توجه می کند، نشان داد. از این دیدگاه، می توان رفتارهای قابل قبول را در قسمت بالای آن و رفتارهای غیر قابل قبول را در قسمت پایین نمایش داد. این اولین تصمیم است که فرد استفاده کننده از الگو باید بگیرد. آیا رفتار دیگران «قابل قبول» یا «غیر قابل قبول» است؟

بر اساس نظریه گوردون «رفتار قابل قبول» رفتاری است که دیگران با انجام آن، در برآورده کردن نیازهای شما مانعی ایجاد نمی کنند. این نکته به این معنا نیست که شما دوست دارید چنین رفتاری ادامه یابد. «رفتار غیر قابل قبول» به این معنا است که دیگران با انجام آن در روند برآورده سازی نیازهای شما ایجاد مزاحمت می کنند. این هم به آن معنا نیست که رفتار آنان غیر اخلاقی است، بلکه شما فقط دوست دارید این رفتار متوقف شود

ما برای شناخت نمونه های این دو گروه رفتار کمی مشکل داریم. خط مرز طبقه «قابل قبول» شناور و به بالا و پایین در حال نوسان است. خود فرد، دیگران و محیط بر این نوسان تاثیر دارند. بعضی روزها شما احساس خوبی دارید و بنا بر این همه چیز به خوبی پیش می رود. بسیاری از رفتارهای دیگران نیز به عنوان «قابل قبول» توصیف می شود. بعضی روزها هم بنا به هر دلیلی شما احساس خوبی ندارید بنا بر این «خط افتراقی» بالا می رود. رفتارهای بسیار کمی «قابل قبول» تلقی می شود و بیشتر رفتارها «غیر قابل قبول» هستند.

گفتیم «دیگران» نیز در این نوسان دخالت دارند. از نظر بعضی از معلمان، دانش آموزان بخش زیادی از این عوامل، یعنی «دیگران» را تشکیل می دهند و عده ای دیگر معتقدند که این طور نیست و دانش آموزان تاثیر کمی بر این عامل دارند. البته پذیرش این ساده است. طرز لباس پوشیدن دانش آموزان، رفتار آنان در کلاس و توجهشان به وضعیت بهداشت فردی باعث می شود که آنها سهم بیشتر یا کمتری در این موضوع داشته باشند و رفتار آنها نیز کمتری بیشتر برای معلم قابل قبول باشد. ما نمی توانیم به طور یکسان در همه اوقات، همه رفتارهای دانش آموزان خود را قابل قبول بدانیم؛ زیرا این امر از قدرت انسان خارج است.

محیط نیز در این نوسانات نقش دارد؛ زیرا در محیط است که رفتارها انجام می گیرد، خواه رفتاری قابل قبول باشد یا نباشد، مثلاً "رفتار «قابل قبول» یک دانش آموز که با نبودن مدیر بالای سر او انجام پذیرد، ممکن است با ورود ناگهانی مدیر به داخل کلاس «غیرقابل قبول» تلقی شود.

از این جهت بسیار مهم است که با استفاده از این الگو، فرد تصمیم بگیرد که آیا رفتار دیگران برایش قابل قبول است یا نه. گوردون شیوه ای را برای حالت نخست و شیوه ای دیگر برای حالت دوم در نظر می گیرد. این شیوه ها که همان مهارت های پاسخی هستند، باید با تصمیم اولیه فرد «قابل قبول» یا «غیرقابل قبول» همخوانی داشته باشند.

تفاوت بین نقش یک معلم اثر بخش و ناکارا در ایفای نقش خود به عنوان تسهیل

کننده یادگیری در کلاس درس

معلمان اثر بخش :

۱- کارهایشان بخوبی سازمان یافته و آماده است ؛ یعنی از وقت و زمان خود بخوبی استفاده می کنند و می کوشند تا برنامه خود را از قبل تنظیم و از لحظه لحظه کلاس برای یادگیری استفاده کنند .

معلمان اثر بخش :

۲- برای عوض کردن موضوع بحث و گفتگو از لحظه ها استفاده می کنند ؛ یعنی در کلاس فعالیت های متنوعی را باعث می شوند و هر حادثه یادگیری مقدمه و بهانه ای برای حادثه یادگیری دیگر می شود .

معلمان اثر بخش :

۳- از برنامه یا جدول یادگیری سریع استفاده مناسب می کنند ؛ یعنی کلاس را به صورت زنده و شاد و فعال اداره می کنند و در عین حال ، بردانش آموزان فشاری بیش از حد ظرفیت آنان وارد نمی آورند .

معلمان اثر بخش :

۴ دانش آموزان را برای یادگیری انگیزه نگر می دارند ؛ یعنی آنچنان فضای روانی را ایجاد می کنند که دانش آموزان نسبت به یادگیری مطالب کنجکاو و انگیزه باقی می مانند .

معلمان اثر بخش :

۵- موجباتی را فراهم می آورند که هر چند دانش آموزان در حال نشسته به یادگیری می پردازند ، اما برای انجام دادن فعالیت های یادگیری ،هیجان و انگیزه ی لازم را دارا باشند .

معلمان اثر بخش :

۶- دانش آموزان را تشویق به انجام دادن فعالیت هایی می کنند که مکمل فعالیت های قبلی است یعنی هر مطلب جدید را چنان مطرح می سازند که با موضوع قبلی در ارتباط و تکمیل کننده موضوع قبلی است .

معلمان اثر بخش :

۷- آگاه هستند ؛ یعنی آنچنان کنترل کلاس را در اختیار دارند که گویی چشمی نیز در پشت سر دارند ، ولی دانش آموزان احساس نمی کنند که تحت کنترل یا فشار معلم هستند .
وقتی بحثی را مطرح می سازد زمان بندی آن را رعایت نمی کند و در نتیجه دانش آموزی را که اشتباه کرده است ، متهم می کند ، واکنشهای بیش از اندازه نشان می دهد ، آثار نامطلوب در دانش آموزان باقی می گذارد و بالاخره اعتبار خود را نزد آنان از دست میدهد .

معلمان ناکارا :

۱- می گویند به اندازه ی کافی کارم منظم است ، ولی عملاً در این زمینه اقدام مؤثری به عمل نمی آورند و به واسطه نداشتن برنامه قبلی دچار بی نظمی در کلاس هستند .

معلمان ناکارا :

۲- فواصل زمانی طولانی باعث سکوت‌های طولانی در کلاس می شود؛ یعنی هم دانش آموز و هم معلم به دلیل تغییر از یک حالت به حالت دیگر، حواسشان پرت می شود.

معلمان ناکارا :

۳- فضای روانی کلاس به نحوی است که یادگیری برای دانش آموزان به صورت کار خسته کننده ای در می آید، معلم مسائل متعددی را برای حل ارائه می دهد و دانش آموزان نیز باجبار به کار مشغول می شوند.

معلمان ناکارا :

۴- غالباً مدیریت و رهبری مغشوش و دستخوش تغییر و تبدیل معلم، باعث از بین رفتن تمرکز دانش آموزان نسبت به یادگیری مطالب می گردد.

معلمان ناکارا :

۵- رفتار معلم آنچنان است که به نظر می رسد نسبت به آنچه در کلاس درس می گذرد آگاهی ندارد و تنها به یک دانش آموز توجه می کند و دانش آموزان دیگر را نمی بیند.

معلمان ناکارا :

۶- دانش آموزان بدون احساس کنجکاوی یا انگیزته شدن، خود را مجبور به انجام دادن تکالیف درسی احساس می کنند.

معلمان ناکارا :

۷- از برنامه یادگیری کُند استفاده می کنند و در عین حال موجب سر در گمی دانش آموزان می شوند. مرتباً مشق و درس دانش آموزان را چک می کنند و موجبات گیجی و سر در گمی آنان را فراهم می آورند .

ویژگی های معلمان اثربخش

علمان باید استانداردهایی برای موفقیت تعیین کنند و دانش آموزان را آگاه سازند که از همه آنها انتظار می رود به این استانداردها دست یابند. این توصیه ، دو موضوع بسیار با اهمیت را به یکدیگر پیوند می دهد:

یکی تعیین استانداردهای هدفمند ، یعنی استانداردهای مهم، چالش برانگیز و قابل حصول و دیگری انتقال انتظارات معلم به دانش آموز، یعنی انتظار دستیابی آنان به این استانداردها ، این توصیه از این رو اهمیت دارد که علاوه بر پیشنهاد دستیابی به بعضی استانداردها ، پیشنهادهای نیز برای اجتناب از استانداردهای دلخواه (۱) و ناپایدار (هوس برانگیز) (۲) دارد. همچنین توصیه می کند، از استانداردهایی که برای دانش آموزان قابل حصول نیستند ، دوری شود و از استانداردهایی که دانش آموزان بدون هیچ تلاشی می توانند به آنها دست یابند نیز پرهیز شود و سرانجام این که نباید انتظارات زیادی از دانش آموزان به خصوص گروه های کوچک تر دانش آموزی داشت .

تشویق

دانش آموزان را باید به خاطر توجه و تلاشی که برای یادگیری می کنند، تشویق کرد.

دانش آموزان ، اغلب نه برای توجه و تلاش بیش تر ترغیب می شوند و نه به خاطر توجه و تلاشی که برای یادگیری می کنند ، تشویق کرد.

دانش آموزان اغلب نه برای توجه و تلاش بیشتر ترغیب می شوند و نه به خاطر توجه و تلاشی که برای یادگیری می کنند، پاداش می گیرند. تحسین ساده رفتارهای مطلوب ، در بسیاری از موقعیت ها و برای بسیاری از دانش آموزان موجب تحیز و شگفتی می شود.

در صورت لزوم می توان از تقویت کننده هایی همچون کربن (۳) (token) که می توانند در ازای کالا یا خدمات معاوضه شوند و یا دادن وقت اضافی به دانش آموزان برای تمام کردن کاری که می خواهند انجام دهند ، استفاده کرد

یادآوری

باید به دانش آموزان کمک کرد تا راهبرد هایی را برای یادگیری اتخاذ کنند. به ویژه برای یادآوری آنچه تدریس شده است و به کارگیری آنچه یاد گرفته اند. به دفعات به دانش آموزان گفته می شود که چه چیزهایی را باید یاد بگیرند و برای یاد گرفتن ، لازم است چه چیزهایی را بدانند یا انجام دهند. حتی ممکن است به آنها گفته شود که چرا مجبورند بعضی چیزها را یاد بگیرند. در حالی که اغلب ، چگونه یاد گرفتن به آنها آموخته نمی شود.

راهبردهای زیر از جمله راهبردهایی هستند که می توان آنها را به دانش آموزان اموخت :

۱- راهبردهای تمرین ذهنی (rehearsal) : یعنی به طور فعال برشمردن یا نام بردن چیزهایی که قرار است یاد گرفته شوند.

۲- راهبردهای تشریحی (elaboration strategies) : روش های افزودن یا بسط دادن آنچه قرار است آموخته شود.

۳- راهبردهای سازمانی (organizational strategies) : شیوه های قرار دادن آنچه یاد گرفته می شود ، در چارچوبی بزرگ تر.

۴- راهبردهای پایشی (monitoring strategies) : طریقه های رسیدگی به پیشرفت خود

در جهت یادگیری

معلمان کارا باید بتوانند ، زمینه همه یا هریک از راهبردها را برای دانش آموزان فراهم آورند.

نگه داشتن دانش آموز در فضای یادگیری

معلمان باید موقعیت هایی را در کلاس به وجود آورند که باعث حفظ و نگه داری (holding power) دانش آموزان در فضای یادگیری شوند.

چنین موقعیت هایی این امکان را فراهم می سازند که دانش آموزان به طور پیوسته در فرآیند یادگیری درگیر شوند و این درگیری تداوم یابد. به عبارت دیگر ، این موقعیت ها ، قدرت نگاه داری و حفظ توجه و درگیری دانش آموزان را از مزاحمت ها و عوامل پرت کننده

حواس حفظ می کنند. در این موقعیت ها، دانش آموزان به طور مداوم در یادگیری خویش مشارکت می کنند و نیازی نیست که برای آموزش، منتظر مساعدت دیگران بمانند. چنین موقعیت هایی متضمن فعالیت هایی هستند که از طریق آنها دانش آموزان می توانند، چیزهایی بسازند یا انجام دهند. به این طریق است که دانش آموزان به طور فعال درگیر یادگیری می شوند.

جلب توجه

در جریان ارائه مطالب، معلمان باید از راهکارهایی که توجه دانش آموزان را جلب و آنها را درگیر یادگیری می کنند، بهره بگیرند.

معلمانی که در پی بهبود کارایی خود هستند، می توانند از راهکارهای متعددی استفاده کنند. آنها می توانند سوال هایی بپرسند و تکالیف کوتاهی بدهند برای این که شاگردانشان درباره آنچه ارائه می شود، فکر کنند. در این مورد می توان به استفاده از تمرین های محاسبات ذهنی (mental computation exercises) در کلاس های ریاضی و همچنین طرح سوال هایی که پاسخ آماده ندارند و سوال هایی که ایجاب می کنند دانش آموزان عقیده ای را بیان کنند و از آن دفاع نمایند، اشاره کرد. پاسخ به این گونه سوال ها معمولاً مستلزم آن است که دانش آموزان به جای اتکاء به پاسخ های برنامه ریزی شده و طوطی وار، درباره آنها فکر کنند. گاهی معلمان می توانند از دانش آموزان درباره پاسخی که دانش آموز دیگری داده است، سوال کنند. در این صورت، دانش آموزان باید از آنچه در کلاس مورد بحث قرار گرفته است، آگاه شوند و هر لحظه، آماده مشارکت در گفت و شنود کلاس باشند.

حرکت در بین دانش آموزان

در جریان انجام تکلیف های انفرادی ، معلمان باید بین دانش آموزان حرکت کنند و بر کار آنها نظارت داشته باشند. این توصیه به دو منظور صورت می گیرد، اول این که حضور فیزیکی معلم در کنار دانش آموزان ، دقت و توجه آنها را به تکلیفی که در دست دارند ، افزایش می دهد. دوم که مهم تر از اولی است ، این است که معلم با نظارت بر کار دانش آموزان می تواند در صورت نیاز مساعدت های لازم را به آنها بکند.

محبت به دانش آموزان

معلمان باید علاقه و محبت خود را هم به صورت کلامی و هم از طریق ابزارهای غیر کلامی چون : توجه تمام و کمال به دانش آموزان ، حفظ و تداوم ارتباط چشمی با آنان ، لبخند زدن و ایما و اشاره نشان دهند.

ما اغلب فراموش می کنیم که اکثر دانش آموزان برای معلمانی که برای آنها محبت می کنند و معلمانی که آنها را مورد احترام قرار می دهند ، هر کاری را انجام می دهند. در بیش تر موارد، دانش آموزان حاضرند هر کاری بکنند تا تایید چنین معلمانی را به دست آورند. آشکار است که معلمان باید در ابراز علاقه و محبت خویش نسبت به دانش آموزان صادق باشند و گرنه ، احترام آنان نزد دانش آموزانی که ریاکاری و دورنگی می بینند ، رو به افول می گذارد.

منبع: مقاله ویژگیهای معلمان اثربخش، دکتر علی رووف، روزنامه همشهری.